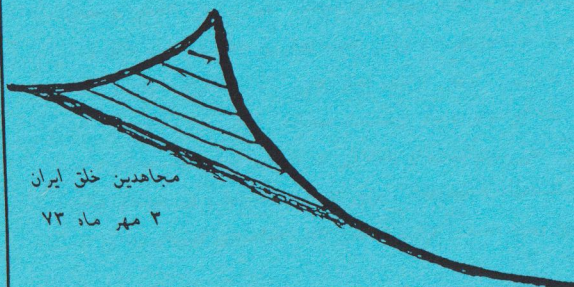




# تصمیمات رندانه "کوسه" ، ریش پهن" مسئول شورای ملی مقاومت



ایلیا ارنهورک، کاملاً پدرستی یادآوری کرده است که هدف، یک علامت راهنمایی وسط جاده نیست. چیزی است کاملاً واقعی، یک موضوع روز، نه تصویری از فردا بلکه اقدامات همین امروز. هدف، نه تنها استراتژی سیاسی بلکه اخلاق را هم از پیش معین میکند. می توان با تبدیل افراد به "پیچ و مهره" و تبدیل خود به خدائی افسانه ای، برای برابری انسانها مبارزه کرد. وسیله همواره بر هدف اثر می گذارد، هدف را بالا میبرد یا مسخ میکند.

در تکثیر و توزیع این اطلاعیه در حد توان بکوشید.

میتوانید برای تماس،  
نامه های خود را به آدرسهای زیر ارسال دارید.  
BP 13  
95540 MERY SVOISE  
فرانسه FRANCE

BOX 448  
175 25 JARFALLA  
سوئد SWEDEN

PMI  
# 132-2255B QUEEN str, EAST  
TORONTO, ONTARIO  
کانادا M4E - 1G3 CANADA



## تصمیمات رندانه " کوسه " ریش پهن " مسؤل " شورای ملی مقاومت "

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

خلق مجاهد پرور ایران ،

احزاب ، سازمانها ، گروه ها و شخصیتها ی ملی و مبارز ،

اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران ،

حدود ده سال ( ۱۳۷۳-۱۳۶۴ ) است که از غصب نام و آرم سازمان مجاهدین ، توسط مسؤل شورای ملی مقاومت " و دار و دسته اش میگذرد . این جریان واپس گرا و مرتجع ، طی این مدت با زیر پا گذاردن اصول و ضوابط انقلابی مجاهدین ، ضربات مهلکی به سازمان و جنبش درحال گسترش خلقمان ، که بر علیه ارتجاع غالب و امپریالیسم و صهیونیسم بود ، وارد نمودند ، و اعتماد و پشتیبانی همه جانبه خلقمان را ملغیه جاه طلبی های خود کردند .

منحرفین در تبر ماه سال ۶۰ ، با اینکه استراتژی و تحلیل مشخصی از شرایط نداشتند ، دست به یک سری حرکات خودبخودی و ماجراجویانه زدند ، بدون اینکه کمترین آمادگی های لازم و ممکن ، سطوح مختلف سازمان را فراهم کرده باشند ، بمبارزه مسلحانه مبادرت کرده ، اعضا و هواداران سازمان را به مسلخ ارتجاع غالب کشاندند ، که نتیجتا ، بدستگیری وسیع اعضا و هواداران ، که هیچ هشدار مبنی بر آمادگی بدانان داده نشده بود ، منجر گردید ، که اکثر یا تمام آنها ، توسط رژیم با تفکرات قرون وسطایی حاکم به جوخه های اعدام سپرده شدند .

تداوم مبارزه مسلحانه ، بدون هیچ برنامه و استراتژی مدونی ، غیر از عملیات کور ، و در نتیجه شکست و بن بست چه میتوانست بار آورد؟ هیچ ، مگر شکستهای دیگر و بن بستهای جدید ، و همینطور نیز شد . مسؤل شورا ، بجای تردید در طرحهای " اله اکبری " ، که شخصا برنامه ریزی و کارگردانی کرده بود ، شکستها و بن بستها را ، به عدم محاسبه حمایت خارجی از رژیم و بیش از حد جنایتکار و وحشی بودن آن احاله و مصادره میکرد . لذا با تمام تغییر و تبدیلات و اتخاذ شیوه های مختلف اعم از ترور ، انفجار ، و سپس تشکیل " هسته های مقاومت " و انقلابات متعدد ایدئولوژیکی " و رفتن تحت پوش و حمایت دولت عراق و ارتجاع منطقه و امپریالیستها و صهیونیسم ، و تشکیل ، ارتش آزادی بخش ملی " . . . و اجرای انواع و اقسام سناریو های مختلف ، و زمین گیر شدن ۶ ساله در عراق ، بعد از شکست عملیات " فروغ " . . . ، بخاطر سیاستهای غلط و بچه گانه و تحلیلهای " آبی " اش ، نتوانست از باطلایی که در آن افتاده بود ، نجات یابد . لذا بجای پذیرش انتقادات و تصحیح اشتباهات و انحرافات ، برای اینکه از شکستها و بن بستهای مکرر و فراوان ، مغری بیابد ، بعد از عقب نشینی های بسیار تصمیم گرفت تا بطور کامل خواستهای امپریالیستها را بر آورده نماید .

در این راستا ، بعد از روی کار آمدن دمکراتها در امریکا ، سردمداران " شورای ملی مقاومت " ، با تمام توان تشکیلاتی ، فعال شده تا بانمایش دمکرات نمایی ، و آزادی خواهی ، و نشان دادن اینکه به دمکراسی



متقدند. . . شاید بتوانند رئیس جمهور. . . را بسمت گروه خود جلب و جذب نمایند. مسئولین شورا. . . از مدتی قبل توانسته بودند، تا حدودی عده ای از نمایندگان کنگره و مجلسنای امریکا را، با انواع شکردها و دادن هدایا جلب و جذب کنند. تنها یک قلم دبیر، آنهم رئیس جمهور، همسر و معاونش الگور. . . مانده بود، که در این مورد از هیچ چابکدستی و کوششی فرو گذار نکردند، و با دادن هدایایی به کلبنتون (فروش دوازده متری ابریشمی به وی)، و چرب کردن سبیل اطرافیان، به موفقیتهایی نایل آمدند، تا جایی که رئیس جمهور امریکا برای مسئول شورا. . . نامه مسعود عزیزم نوشت، اما خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود چون رقبای نظیر مشروطه خواهان، شاه الهی ها، ملیون و شخصیتها. . . هر یک از موضع خود، با نشان دادن مدارک و اسناد. . . چهره واقعی توتالیتر و ضد دموکراتیک مسئولین شورا. . . را برای مقامات امریکائی، بطور عریان آشکار کردند، ارتجاع غالب و جنایتکارحاکم بر ایران نیز با استفاده از شرایط مساعد بوجود آمده، با قدرت نمایی و دادن امتیازات اقتصادی به امپریالیسم، توانست نظر مقامات امریکائی را، نسبت به شورای ملی مقاومت!! بر گرداند.

لذا، وزارتخارج امریکا ضمن گزارش سالانه خود، در رابطه با تروریسم، غیر از اینکه هم چنان و بحق، طبق روال گذشته، ارتجاع غالب را جزو لیست کشورهای تروریست و تروریست پرور، آورد، برای اولین بار شورای ملی مقاومت را نیز جزو ۳۸ گروه تروریست جهان محسوب داشت. ضمناً نمایندگان کنگره و سنای امریکا، از دولت خواستند تا ظرف ۶ ماه (تا اکتبر سال جاری)، گزارشی از وضعیت شورا. . . و ارتش آزادیبخش ملی و اعمال تروریستی مسولانش تهیه و بدانان بدهد. از طرف دیگر، رئیس جمهور امریکا، بعد از بالا رفتن حجم مبادلات تجاری، بین دو کشور، نامه ای، البته این بار برای رفسنجانی عزیز. . .، بجای مسئول شورا فرستاد و از وی دعوت به مذاکره بدون قید و شرط نموده و تأکید کرده بود آمریکا قصد ساقط کردن رژیم جمهوری اسلامی را ندارد. (طبق بعضی شایعات در کنفرانس جمعیت و توسعه سازمان ملل در قاهره، مذاکراتی بین الگور معاون ریاست جمهوری امریکا و آخوند تسخیری نماینده اعزامی ایران، به کنفرانس. . . انجام شده است)

دیدارهای مکرر مقامات امنیتی. . . انگلیسی و اسرائیلی با مسئولین

شورای ملی مقاومت و تنظیم برنامه مشترک آینده

بعد از اینکه باند شورای ملی مقاومت، در کتیب ۳۸ گروه تروریست فرار داده شد، و ارتجاع حاکم بجای آنان مورد توجه کاخ سفید قرار گرفت، مسئول شورا. . . مجبور شد، رهاکاری را تا حدود زیادی کنار گذارده چهره واقعی خود را آنطور که بود، و ده سال سزورانه پشت نام سازمان و شهدای مجاهد خلق پنهان میکرد، آشکار کند، و با قبول توصیه های نمایندگان مجلس اعیان. . . و سازمان جاسوسی و امنیتی انگلیس و اسرائیل و اجرای برنامه های پیشنهادی آنان، تمام تلاشش را برای تعدیل و جلب و جذب نمایندگان کنگره و دولت امریکا بکار گرفت.

باید متذکر شویم، حمایت رژیم ارتجاعی حاکم، از ارتش آزادیبخش ایرلند و حماس و حزب اله و جهاد اسلامی در جنوب لبنان و جدایی طلبان باسک و قیس در الجزایر و صدور ارتجاع، تحت پوشش صدور انقلاب به کشورهای جنوب خلیج فارس و کاهش واردات کالا از انگلیس و فرانسه. . . و بالعکس افزایش آن از امریکا، از دلایلی است که کشورهای انگلیس، اسرائیل، عربستان و فرانسه. . . تصمیم گرفتند تا با حمایت و پشتیبانی از شورای ملی مقاومت، ضمن نشان دادن یک چهره قابل قبول از آنان، نظر نمایندگان

کنگره و دولت امریکا را نسبت به مسوئین شورا. . . عوض کرده، ضمن خارج کردن آنها از لیست ۳۸ گروه تروریست، هم چنان به حمایت مالی و معنوی آنها پرداخته تا متحدان بتوانند با عامل فشاری، چون شورای ملی مقاومت، بربر های وحشی حاکم بر ایران را وادار به قبول تمام خواستههایشان نمایند، یا در صورت مقاومت، تا ساقط کردنش پیش بروند. (لازم تذکر است، تعداد زیادی از نمایندگان مجلسین امریکا را صهیونیستها تشکیل میدهند).

در رابطه با مطالب بالا توجه شما را به بعضی از رخدادها و وقایع اخیر جلب مینمائیم.

پس از گفتگوی لرد آناز، نماینده مجلس انگلیس، در اسفند ماه سال گذشته با خانم رئیس جمهور، مریم فجر عضدانلو و قرار مدارهای لازم، در سفر مهدی ابریشمی از سران این سازمان در ۲۶ فروردین ماه (۷۳) گذشته به انگلیس، توافقی نهائی لندن با تقاضای مجاهدین اعلام شد. در این سفر مهدی ابریشمی با لرد آناز، رابط دولت انگلیس با مجاهدین خلق، رابین کوربت نماینده مجلس عوام و عضو سازمان جاسوسی و آن تیلور عضو سازمان امنیت آن کشور دیدارهایی داشت. (روزنامه نیمرز شماره ۲۶۴ ص ۱-۲۳ اردیبهشت ۷۳).

رادیو نظامی اسرائیل از ارتباط برخی از اعضا، مجاهدین خلق با عناصر امنیتی - سیاسی این رژیم در برخی از کشورهای اروپایی پرده برداشت. این رادیو در برنامه خبری ۲۷، ۲۹، ۳۱ فروردین خود گفت، این ارتباط با موافقت نخست وزیر اسرائیل دیر زمانی است که آغاز شده است.

رادیو نظامی اسرائیل. . .، به نقل از منابع عالیترتبه امنیتی اسرائیل افزود، وائید کیمی از نزدیکان حزب لیکود و افسران سابق مוסاد و مدیر کل و زارتخارج اسرائیل که دست اندرکار تنظیم روابط و دیدارهای پنهان در پایتخت کشورهای اروپایی است به همراه عوبادبا سوفیا سفیر اسرائیل در پاریس مسؤل شکل گیری این روابط بوده اند.

به گفته منابع فوق، حداقل ۷ دیدار سری در سال گذشته در پایتخت فرانسه بین اعضای مجاهدین

خلق و نمایندگان امنیتی و سیاسی اسرائیل صورت گرفته است.

در این دیدارها سرتیپ بریسکو مشاور نخست وزیر در امور تروریسم و تنی چند از کارکنان وزارت خارجه از جمله بونس هلاس و ابراهام بن دانید و تعدادی از افسران مוסاد حضور داشته اند. این رادیو می افزاید آخرین ملاقات بین اسرائیلی ها و مجاهدین خلق در پایتخت فرانسه، در هفته پیش برگزار شد. در این ملاقات که سری امنیتی قلمداد شد و سه ساعت به طول کشید، سه تن از افسران مוסاد با درجه سرهنگی از فرماندهی تل آویو شرکت داشتند. (نیمرز شماره ۲۶۵ ص ۶ - ۳۰ اردیبهشت ۷۳).

لذا، بنا بر طرح ارائه شده از جانب مأموران امنیتی، اطلاعاتی. . . انگلیس و اسرائیل (و بر طبق

اخبار منتشره، پرداخت ۶۰ میلیون دلار، توسط دوکشور نامبرده و هم چنین عربستان. . .)، مسوئین شورای ملی مقاومت برای اجرای برنامه ها، سریعا دست بکار شدند، تا قبل از اتمام ضرب الاجل ۶ ماهه کنگره و سنای امریکا، و دادن گزارش دولت به نمایندگان مجلسین، چهره ای دموکرات از خود ارائه دهند.

در همین راستاست که به کارگردانی منوچهر هزارخانی، وزیر فرهنگ و هنر شورا. . . در تاریخ ۲۹

اردیبهشت ۷۳، روزنامه ای بنام آبران زمین و رادیویی با همین نام در کشورهای مختلف ایجاد میشود، تا با به اجرا در آوردن، تمایش آزادی و ملی نمایی و برپایی کنسرت با شرکت خوانندگان. . .، که «طیف

گسترده ایرانیان مقیم خارج کشور را دربر گیرد». . . اقدام نمودند. و تعداد دیگری از افراد شورا. . .

و ارتش آزادیبخش ملی را بعد از «تعهد گرفتن و دست روی قرآن گذاشتن در برابر شورای باصلاح رهبری و قسم یاد کردن که نمی بریم»، و امضا و اثر انگشت با جوهر قرمز بر پای «سوگندنامه هاشان» سریعا به اروپا

و آمریکا آورده شدند. در ادامه این ساریبوست که بجای تظاهرات سی خرداد سرآغاز مقاومت مسلحانه روز شهدا و زندانیان سیاسی و سالروز تاسیس ارتش آزادیبخش ملی، ۳۰ تیر، سالگرد قیام ملی مردم جهت روی کار آوردن مجدد دکتر محمد مصدق را، روز تظاهرات همبستگی با مقاومت... اعلام کردند، و با آوردن تعدادی از خوانندگان و هزینه ای کلان، و اجرای کنسرت، کوشیدند، عده ای را جمع کرده، به قدرت نمایی و نشان دادن دروغین طیف هوادار خود اقدام نمایند.

در ادامه برنامه پیشنهادی، استکه، مسؤل شوراء... و دارو و دسته اش (شورای رهبری) جهت رفع حساسیت، نسبت به نام و آرم سازمان مجاهدین و سوابق مبارزاتی آن، و برای رضایت خاطر آنان و همچنین رفع اتهام تروریستی از خود، در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۷۳ مصادف با سالروز تولد پیامبر (۲۶ اوت ۱۹۹۴)، با انتشار اطلاعیه ای در نشریه شماره ۳۵۳ خود رسماً از نام و آرم سازمان مجاهدین ایران، که ده سال غاصبانه و فرصت طلبانه آنرا مورد سوء استفاده قرار میدادند و با اعمال خائنانه و ضد انقلابی، هر روز ضربه ای به اعتبار سازمان مجاهدین زده، اعتماد مردم را نسبت به مجاهدین خلق از بین ببردند، دست برداشتند و انحلال کلبه دفاتر و تشکیلات مجاهدین در خارج کشور را اعلام نمودند. نا مواردی که باعث رنجش و عدم پذیرش و حمایت همه جانبه امپریالیستها میشد، بر طرف کرده تا آنان را بعنوان تنها جانشین رژیم ارتجاعی حاکم، حمایت و پشتیبانی نمایند.

بنابراین بعد از ده سال محصب نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران، اخراج شدگان سال ۱۳۶۴ سازمان، با هر عذر و بهانه و جان کندی که بود دست از نام و آرم سازمان برداشته و چه بخواهند و چه نخواهند انحصاراً آنرا برای صاحبان اصلیش، یعنی منتقدین به اصول و ضوابط و دستاورد های انقلابی - توحیدی سازمان، که بنیانگذاران کبیر آن محمد حنیف نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان، پایه ریزی و مدون کرده بودند، باقی گذاردند، بمارت صحیح تر، باقی ماند.

بنا بر مفاد اطلاعیه فوق الذکر، تمام اعضا و هواداران، از جمله شخص مسؤل شوراء... در خارج کشور، که طبعاً شامل عراق، ترکیه و پاکستان تا دیگر کشورهای اروپایی، امریکایی... میشود باید در اختیار دفتر خانم کاندیدای ریاست جمهوری شورای ملی مقاومت قرار گرفته باشند.

ولی در ذیل همین اطلاعیه، به شورای رهبری... دیگری در عراق اشاره شده است، که فکر میکنیم مسؤل شوراء... و پادوهایش، دچار یک اشتباه لپی بزرگ شده اند (که بید است)، زیرا فکر کرده اند، عراق جزو ایران است، چون وقتی صریحاً نوشته و تأکید میکنند انحلال کلبه دفاتر و تشکیلات مجاهدین در خارج کشور، لذا بدون هیچ تغییر و تفسیری، تصمیم گیرندگان نظرشان بروشنی مشخص است که، دیگر در خارج کشور از جمله عراق، کلبه تشکیلات و دفاتر خود را، که تحت نام محصب شده سازمان یا هواداران مجاهدین خلق فعالیت میکردند، منحل کرده و تمام افراد تشکیلات منحل را در اختیار دفتر خانم کاندیدای رئیس جمهور شورای ملی مقاومت قرار داده اند. و السلام.

مگر اینکه خوش خیالانه فکر کنیم، مسؤلین متوهم شوراء...، که موجودیشان، در کشورهای پانهنده پذیر، یا در هوا بوده (نظیر اخراج مسؤل شوراء... از فرانسه به عراق در سال ۶۵، توسط دولت دست راستی

شیراک)، و تحت پوش و با پاسپورت UN در کشورهای مختلف زندگی کرده و رفت آمد میکنند، کشور عراق را جزئی از خاک ایران بحساب آورده اند. در این صورت سرو کارشان با صدام حسینی خواهد بود که با تجاوزش به کویت، برای ضمیمه کردن آن، به کشورش، ملت عراق را بخاک سیاه نشانده هنوز هم اثرات آن ادامه دارد، ولی با توجه به جین و ترسو بودن مسؤل شوراء...، چنین تصویری نسبت به ولی نعمتش اصلاً

درست نمی باشد. (چون وی به خوبی مطلع است که، صدام حسین وزیر بهداریش را بخاطر دادن یک پیشنهاد، بدست خود در جلسه هیأت دولت و در حضور سایر وزرا با هفت تیرکشت).

و الا مجبوریم بگوییم، مسؤل شوراء معنی کلماتی که بکار میرد، نمی فهمد، که بنظر نمیرسد اینطور باشد، یا احتمالاً بخاطر گرمای شدید بغداد خدای ناکرده عقلش را از دست داده، یا خواسته با بازی با کلمات سر امپریالیستهای امریکایی... را کلاه گذاشته، شیره بمالد... و با شناختی که مسؤل درماننده و مفولک شورای ملی مقاومت از صهیونیستهای اسرائیلی دارد، و با توجه به خصوصیات این قوم معامله گر، میدانده که،

صهیونیستها، گوسفندان خدا را نیز تا به آخر آب نمیدهند، چون احتمال رود دست خوردن و آلت فعل شدن را نیز از جانب صهیونیستهایمیدهد، محض احتیاط هم که شده، دست به چنین اشتباه عمدی زده است... تا راه فراری برای خودش باقی بگذارد، و با برنامه ای که مقامات عالیتره امنیتی انگلیس و اسرائیل بوی داده اند، خوب نفهمیده و یا خودش را به نفهمی زده است، و با بخاطر جلوگیری از خروج تشنه اعضا و هواداران قسم خورده اش... میباشد... .

اما، باید بگوییم، هیچ یک از موارد بالا نیست، بلکه دقیقاً نظر مسؤل شوراء... ضمن پاسخ مثبت به آجان کین رئیس کمیسیون امنیت سنای آمریکا و دیگر سناتورهای امریکایی، که خواسته بودند بطور بنیادی، رهبری خود و خاصه خویش را تغییر بدهد، میباشد. هم چنین در جهت اجرای توصیه های مقامات امنیتی انگلیس و اسرائیل است. تا چه قبول افتدو، چه در نظر آید.

ابریشمچی، حدود دو ماه پیش، درنشتی در اور- سور- آواز، گفته، اگر رسیدن به حکومت، واکس زدن کفش کلبتون، به لبیدن آن توسط ما مشروط میباشد، این کار را خواهیم کرد...

پس دلیل تصمیم کوسه، ریش پهن گرفتن مسؤل شوراء و پادوهایش چیست؟ با شناختی که از مسؤل دو دوزه باز شوراء... داریم، وی با زرنگی های خرده بورژوازی آخوندی، در نظر دارد، با اتحاد چنین موضوعی دو پهلو... هم نظر صهیونیستها، امپریالیستها را تأمین کند و هم در اذهان خارج از تشکیلاتش، یعنی در میان خلفمان این توهم را بوجود آورد، انحرافات که مجاهدین راستین، در رابطه با اصول و ضوابط انقلابی سازمان، بعد از انقلاب ایدئولوژیکی سال ۱۳۶۴، به حق به وی و دار و دسته اش نسبت میدادند، درست نیست و انجام نشده است.

درپایه ۲۹ فروردین ۶۴ مجاهدین در رابطه با اخراج و طرد وی و کسانیکه انقلاب ایدئولوژیکی کردند، بدرستی چنین نوشته بودند: رهبریت اپورتونیست، بعد از آنکه از نزدیکی بکشورهای مرتجع و سوسپال خرده بورژوازی عرب... نتایج مورد نظر را نگرفت، تحت عنوان دیپلماسی انقلابی برخلاف خطوط استراتژی سازمان از بدو تاسیس، خط جلب و جذب امپریالیسم آمریکا را اتخاذ نمود (همه نیروها که در راه جلب و جذب آمریکا برای رسیدن به قدرت سیاسی هستند، محال است که بدون مشابعت ماهوی با او بتوانند جذب کنند، یک نیروی کوچک نمی تواند یک نیروی بزرگ را جذب کند) و برای جلب حمایت آنها، دست توسل بسویشان دراز میکند.

اما حمایت گله ای نمایندگان هر دو جناح امریکایی (از جمهوریخواه با دمکرات که فرق کیفی با یکدیگر ندارند)، و احزاب سوسپال دمکرات و محافظه کار اروپائی که با نقض استراتژی سازمان و دوری و حمله به نیروهای انقلابی و مترقی بدست آمد، تاکنون نیز نتوانسته کار چندانی از پیش برده و نتایجی که مد نظر اپورتونیسم حاکم بود (یعنی دستیابی به حاکمیت سیاسی، با پشتیبانی و کمک آنها)، حاصل نگردیده.

خلاصه کنیم، با اینکه از ده سال پیش ما (مجاهدین)، بارها و بارها به منحرفین از اصول و معیار های... انقلابی سازمان سفارش میکردیم، بعد از اینکه جهش عظیم ایدئولوژیک کردید، خواهی نخواهی

از سازمان اخراج شده، انشباع کرده اید، لذا براه خود بروید و دست از آرم و نام سازمان بر دارید، ولی متأسفانه به این خواست اصولی ما (مجاهدین) توجهی نکردند و هم چنان به محب نام و آرم سازمان ادامه دادند و از آن سو استفاده نمودند و خون شهدای مجاهد خلق را دستمایه ای برای دکان کساد خود نمودند. سرانجام بهمان سرنوشتی دچار شدند که محتوم بود، یعنی آلت فعلی در دست ارتجاع منطقه، صهیونیستها و امپریالیسم، بعنوان عامل فشار درگرفتن هر چه بیشتر امتیاز از ارتجاع حاکم، در نتیجه به انفراد کامل از خلق و نفرت و انزجار و اعتراض همگانی، اعم از درون و بیرون تشکیلاتشان، منجر گردید. که مبارکشان باد. درست است که بعد از ده سال مسؤل "شورا" و پادوهایش را وادار کردیم و مجبور شدند، تادست از نام و آرم محب شده سازمان مجاهدین خلق ایران بر دارند، ولی بهای سنگینی در این رابطه پرداختیم (خلفمان جای خود دارد)، در یک کلام، باعث انگشت نما شدن دوستان و خوشحالی دشمنانمان گردیدیم لآلن بضرورکمل الاادی (هرگز به شما آسیبی نرسانند جز آزاری). ولی استقامت و پایداری بر اصول سازمان مجاهدین، و افشاکری و مبارزه ای خستگی ناپذیر بر علیه "شاه" "شیخ" "شورا"، آیا بدون اعتقاد راسخ به درستی اهداف و راهمان و غیر از اتکا به کلمات و حمایت خلق قهرمانان و باری خداوند منان، (بحل اله و حبل من الناس)، امکان پذیر بود؟ خیر.

بله، با توجه باین آیه قرآنی بوده که میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيهِ اللَّهُ بِجَهَنَّمَ وَيُحْمِلُهُ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَنْ يَتُوبْ إِلَى اللَّهِ فَأَنَّ لَهُ مَبْعُوثٌ لَّنْهُ مِنْ بَشَرٍ وَهُوَ رَاضٍ عَلَيْهِ (سوره مائده آیه ۵۴) ای آنانکه ایمان آوردید، هرکس بازگردد از شما از دین خود، بزودی بیاورد (جانش کند) خدا قومی (گروه دیگری) را که دوستش دارند و دوستان دارد. (اینان) فروتنند در برابر مؤمنان، و گردن فرازند بر پوشندگان حق و حقیقت، میکوشند در راه خدا و نمی نرسند از هیچ سرنشکری، این فضل خداست که میدهدش بپره که خواهد و خدا گشایمندی (گمراهنده ای) است دانا: اما مجاهدین، تمام سرنشها و لمن و ملن ها... را بجان خریدند، و بروشنی میدانستند، هر چند باشند جریانی پاکسانی که بخواهند با امکانات مالی فراوان و با تبلیغات و حمایت بیگانگان، حق و باطل را مخلوط کرده و بخورد دیگران بدهند، ولی این مسئله دیر پا نمیتواند باشد و نیست، بنا برگرفته علی (ع) باید باطل را شکافت تا حق آشکار شود، لذا مجاهدین با افشاکری و استقامت بر اصول، توانستند در آشکار شدن حق و افشاکر باطل سهم بسزایی داشته باشند و تا حدودی مانع هرز رفتن انرژی ها شوند، بنابراین چیزی جز رو سباهی و انفراد و انزجار عمومی، برای غاصبین جاه طلب "شورای ملی مقاومت"، این وابستگان به بیگانه به بار نیآورد، و آورد.

خانم رئیس جمهور، چه محلی از اعراب در "شورای ملی مقاومت"

دارد؟

در اطلاعیه ۴ شهریور ۱۳۷۳ مسؤل "شورا" و پادوهایش ("شورای رهبری...")، بعد از انحلال کلیه دفاتر و تشکیلات "مجاهدین در خارج کشور"، تمامی افراد را در اختیار "دفاتر رئیس جمهور" قرار دادند، رئیس جمهوری که غیر از یک دکور و بازیچه ای در دست مسؤل "شورا"... چیز دیگری نیست. چرا که وی در این سمت هیچگونه مسؤلیت و یا اختیاری ندارد و تمام اختیارات و مسؤلیتها، اعم از "شورا"... و ارتش آزادیبخش ملی...، نظیر ولی فقیه، در دست مسؤل "شورا"... میباشد.

حال سوال این است، رئیس جمهوری که هیچ مسؤلیت و اختیاری از خود ندارد (و تنها بنا بر میل مسؤل "شورا"، چون عروسکی بازی گرفته میشود)، این افراد و عناصر، میخواهند چه کاری انجام داده و چه نقشی بازی کنند؟

هزارخانی وزیر فرهنگ دولت سایه "شورا" در رابطه با همین مسئله در روز انتخاب خانم رئیس جمهور، چنین میگوید: «اگر من همه جنبه هایش را روی هم بریزم و بخواهم بیان کنم، اینطور میشود که ما مریم را داریم شهید میکنیم... برای اینکه در پستی قرار بگیرد که آن پست به نظر من ارزش این ائتلاف انرژی... و بهره دهی را ندارد.» ("مجاهد" شماره ۳۱۸ ص ۵ مورخ ۳ آبان ۷۲).

ملاحظه میکنید، ایشان نیز، نداشتن مسؤلیت و بی اختیار بودن خانم رئیس جمهور را صریحا بیان کرده است. حال یک چنین سیستم توتالیتری، رباکارانه دم از دموکراسی و ارتقا مقام زن و نفی امتیازات جنسی و فردیت میزند. درحالیکه تمام اعمال و شیوه هایش نظیر آخوند های مرتجع حاکم، غیر از دیکتاتوری و تحقیر زن، چیز دیگری نیست.

همانطور که در بالا بدان اشاره کردیم، غیر از اجرای نمایشات دمکرات نمایی و تبلیغات دروغین ارتقا و رهایی زنان و نفی جنسیت، توسط این جریان توتالیتر، که برای "جنب و جذب" آمپریالیستها... میباشد، در ضمن ترغیب هائیت، تا رهبر خاص الخاص "جاه طلب"، بتواند "بهر ترتیب"، "بهر وسیله" و "بهر قیمت" که شده با حمایت و کمک بیگانگان به حکومت برسد. تا ضمن ارضاء حس جاه طلبی هایش، از پاسخگویی به انحرافات آگاهانه اش، راه فراری بیابد، چون معتقد است از "پروژه سوال" نمی کنند باید متذکر شویم اگر نظامنامه "شورای ملی مقاومت" را مطالعه نمائید، ملاحظه خواهید کرد که مسؤل آن، نظیر خمینی جانی معدوم، مقامش مادام العمری میباشد، و با اینکه بیش از ۱۳ سال است، که وی مسؤل و نخست وزیر "شورا"... میباشد، حتی یک بار هم برای انتخاب وی رأی گیری صورت نگرفته، چون تمام اختیارات و تعیین خطوط و شیوه های برخورد... ارگانها، فقط و فقط در انحصار مسؤل "شورا"... میباشد و لا غیر.

در اینجا لازم است تا به نکته ای اشاره کنیم، که مسؤل "شورا"... اصولا به دموکراسی و شور و مشورت و رأی اکثریت و اقلیت اعتقادی ندارد، و بر خلاف شاه خائن معدوم، که خود را نظر کرده و مدعی داشتن سر و سری با انمه اظهار میدانست، مسؤل "شورا"... معتقد است که او پیامبر و از آن هم بالا تر میباشد، و برای خوشختی مردم جهان به ویژه زنان، "تذای داهبانه ای" دارد، نظیر "تذای نفی فردیت و ارتباطش باجنسیت و نفی فردیت پس از نفی جنسیت" میباشد، که در موقع مناسب حتما آنها را رو خواهد کرد. لذا به رأی و انتخاب کسی نیازی ندارد. بلکه این اعضا "شورای ملی مقاومت"... کل الانعام است که باید از وی اطاعت کرده و مریدش باشند. (میتوانید به عملکرد ۱۰ ساله وی در سازمانش، مراجعه نمائید، هم چنین میتوانی از ابادی این جریان سوال کنید، اساسنامه سازمانی که وی مدعی رهبریتش بود و بیش از ۲۹ سال از عمر مبارزاتش میگردد، چیست! درکجا ثبت شده، و از کجا میتوان آنها تهیه کرد؟...، تا حقایق بیشتری در رابطه با این ربا کاران زاهد نما، برایتان آشکار شود.)

به همین دلیل است که میگویند، «مسؤل سازمان به هیچ کس جز خدا حساب پس نمیدهد»، وی صریحا گفته است «اگر روزی مسؤلیت من، از رأی دیگران ناشی شود، من آن روز دیگر با سازمان نخواهم بود» (به نقل از مسؤل شور ا رئیس انتخابی! اولین کنفره ناقص و نا تمام سازمان در ۳۱ مرداد و اول شهریور ۱۳۶۳ در آورو- سور- آواز. برای اطلاع بیشتر، میتوانی به مقدمه "جمع بندی ۲ ساله از انحرافات رهبری سابق سازمان مجاهدین خلق"، منتشره در تیر ماه ۱۳۶۵ مراجعه کنید.)

## سخنی با احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای مبارز و مترقی

بعد از « انقلاب ایدئولوژیکی » عده ای از اعضا و کادرها و مسئولین سازمان ... مجاهدین، طی اطلاعیه ۲۹ فروردین ۶۴، آنان را بخاطر تغییر مواضع ایدئولوژیکی، سیاسی - استراتژیکی، تشکیلاتی از سازمان طرد و اخراج نمودند. در آن اطلاعیه نوشته شده « پیشاپیش هرگونه موضعگیری و بر خورد غیر مسئولانه ای را ( از طرف هر نیرو ... )، که بخواهد این تفکرات، دیدگاهها و بر داشتها و عملکرد ارتجاعی و غیر دمکراتیک ... را بپای اسلام انقلابی و به تبع آن به ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران، زده و تقصیر دهد، بشدت محکوم کرده و آنرا بر خوردی ساده گرایانه و سطحی و بضرر جنبش و جبهه خلق دانسته، چرا که، چنین تفکراتی اساسا ربطی به اسلام و ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران نداشته و ندارد. چنین بر خوردهایی بیانگرنه دیده گرفتن خون هزاران هزار مجاهدیت که برای برپائی جامعه بی طبقه توحیدی که عاری از هر گونه ستم و استثمار است، دلاورانه بیاخته و با شامرک بر ارتجاع و امپریالیسم، زنده باد آزادی ... خون پاکشان را در میدانهای نبرد نثار نمودند و مرزی استوار بین اسلام انقلابی و مرتجعین دکم - قشری و هر نوع بر داشت ارتجاعی و شرک آلود از اسلام کشیدند، میباشد ... »

همانطور که ملاحظه میکنید، مجاهدین با توجه به تجارب ضربه سال ۱۳۵۴ بود که چنین هشدارهای رابه نیروهای مبارز و مترقی دادند، ولی متأسفانه سهوا، با عمدا به این تذکر مسئولانه توجه لازم نشد، لذا چه در نوشته ها و با سخنرانی ها ... از منحرفین غاصب نام و آرم سازمان، با عنوان « سازمان مجاهدین خلق » نام میبردند، ولی در این اواخر تا حدودی، با عیان شدن بیشتر مواضع انحرافی و وابستگی این گروه به بیگانه ... این موضوع تصحیح شده است. حال امیدواریم همانطور که طرد شدگان با صراحت قیلا اعلام کردند که « اولی که بودیم نیستیم، افتخار هم میکنیم، نسبت به اونهایی که این راه رو نرفتند سر هستیم » و با توجه به اطلاعیه ۴ شهریور ۱۳۷۳، که « انحلال کلبه دفاتر و تشکیلات خود را، « در خارج کشور، اعلام نمودند، دقیقاً مورد توجه قرار گیرد، و از این پس این گروه مرتجع راست منحط، وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه را بعنوان « سازمان مجاهدین خلق ایران » مورد خطاب قرار ندهند، اگر چه منحرفین بخواهند بعد از اطلاعیه ۴ شهریور، باز هم از نام و آرم سازمان فرصت طلبانه و ربا کارانه، سواستفاده کنند و آنرا هم چنان بکار ببرند.

باید بگوئیم، اگر غرضی در کار نباشد، و بجای آن واقع بینی و حسن نیتی وجود داشته باشد، گروهها و شخصیتها ... میتوانند از آنها با نامی که خودشان انتخاب کرده اند، یعنی « دفاتر رئیس جمهور مقاومت، شورای ملی مقاومت، ارتش آزادیبخش ملی، و با هر اسم دیگری که متناسب با ماهیت و عملکردشان باشد، آنان را مورد خطاب قرار دهند.

## تذکری به مسئولین ربا کار شورای ملی مقاومت

ما ( مجاهدین )، باز هم به مسئولین شورای ملی مقاومت ... پیشنهاد میکنیم دست از دو دوزه بازی کردن بردارید، حال که بعد از گذشت ۱۰ سال، بهر دلیل و توجیهی تصمیم گرفتید دست از سواستفاده و غصب نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران بردارید، دیگر به نعل و میخ نزنید، چرا که آب از سر شما

گذشته، حال چه بک نی، چه صد نی، شما تحت پوش مبارزه با ارتجاع ضد بشری حاکم بر ایران، بادشمن در جنگ با ملت ایران، همکاری همه جانبه کرده و آلت فعل او بر علیه ملت ایران بوده و هستید، با ارتجاع منطقه که دست کمی از ارتجاع حاکم بر ایران نداشته و ندارد، متحد شده عمل نمودید، و در کشتار کردن عراقی، در کنار ارتش صدام شرکت فعال داشتید، برای جلب و جذب امپریالیستها، این دشمن خلق، های تحت ستم و جهانخوار و پادوی آنها، صهیونیسم از هیچ خیانتی در رابطه با خلق قهرمانان، فرو گذار نکردید، از هیچ پستی ای، در حق مجاهدین خلق و مخالفین درون و بیرون تشکیلاتی و باران سابق خود، اعم از تهمت، افترا، فحاشی، تهدید و دادن گزارش از آنان به سرویسهای اطلاعاتی امپریالیستها ... و ارتجاع حاکم بر ایران و ضرب و ستم، شکنجه، زندان و اعدام ... کوتاهی نکردید، حال بهتر است سر خود بگیرید و راه خود بروید، چرا که بقول حضرت علی (علی)، تاریخ از شما، بخاطر اعمال و افکارتان، کسانی ساخته، که مایه عبرت روزگار و دیگران شده اید. لذا درنگ جایز نیست، نگذارید حریفان که بسیار فعال شده اند و نظیر شما تا خرخره وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و در صدد جلب حمایت آنها میباشند از شما پشی بگیرند، چرا که اخیراً آنها نیز در سخنرانیها و تظاهراتشان از عکس سمبلهای آزادی و استقلال و پایداری در مقابله با بیگانگان، چون ستارخان، میرزا کوچک خان و دکتر محمد مصدق استفاده کرده و دم از دمکراسی و آزادی میزنند، و نظیر خمینی جنایتکار مدوم در پاریس، وعده یک جامعه دمکراتیک و مستقل به مردم میدهند، عتب بیافیند. بویژه اینکه هنوز کاندیدای ریاست جمهوری شما، نتوانسته آنطور که شاید و باید است با مقامات بالای امپریالیسم بطور علنی ملاقات و گفتگویی داشته باشد. در حالی که رضا پهلوی، به اروپا آورده شد و با مقامات بلند پایه فرانسوی و انگلیسی بطور علنی ملاقاتهایی داشته ( بگذریم که وی نیز بطور مخفیانه و غیر علنی، چون شما، با صهیونیستها و امپریالیستها ... مذاکره کرده برنامه ریزی میباید) و خبرگزاریها و رادیو ها با آب و تاب به شرح این ملاقاتها پرداخته و به مصاحبه با رضا پهلوی مبادرت نمودند. خلاصه تا دیر نشده بچینید، و به آنچه در اطلاعیه ۴ شهریور ۷۳ نوشته اید بطور کامل عمل نمائید و از نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران هر چه سر بهتر دست برداشته و خود را میرا نمائید.

تا یازکه را خواهد و مبلش به که باشد

در اینجا لازم است به آخرین خبری که در همین رابطه منتشر شده، اشاره نمایم.

بنظر میرسد، ارتجاع غالب حاکم بر ایران، با کشوریکه خودش را مدافع حقوق بشر و ضد ملا های تروریست و تروریست پرور معرفی میباید، یعنی آمریکا ( در کنفرانس جمعیت « قاهره، بعد از بده بستانها و قول و قرارهایی که بین الگور معاون رئیس جمهور شیطان بزرگ و آخوند تسخیری، نماینده «ملاها، صورت گرفته )، به توافقاتی دست یافته اند، و ورق برنده هم چنان به نفع ملا ها در آمریکا بر روی میز بازی است، و نیز « توراویون آدرمانده و آبرو باخته با تمام نمایانشان، چون ۱۰ سال گذشته باز هم به سنگ خورد. در مدتی کوتاه، بعد از کنفرانس جمعیت در قاهره دولت آمریکا، قبل از موعد تعیین شده توسط مجلسین، متن گزارش خود را در واشنگتن تا بهر منتشر نمود، بنا بر متن گزارش، در آمریکا هم چنان « در به همان پاشنه ای خواهد چرخید که در این مدت بنفع ارتجاع حاکم بر ایران چرخیده است. ( حال توجه شما را به قسمتهایی از گزارش دولت آمریکا، که در روزنامه واشنگتن تا بهر مورخ ۱۴ سپتامبر ۹۴ درج شده و در روزنامه نیمرز شماره ۲۸۲ ص ۲۹۱ مورخ ۳۱ شهریور ۷۳ چاپ شده جلب مینمائیم.

« واشنگتن تا بهر در گزارشی به قلم اندرو برلویک، خیر داد که دولت آمریکا سازمان مجاهدین خلق را یک گروه تروریستی با اهداف مشکوک میشناسد. دولت کلبتون از پذیرش سازمان مجاهدین به عنوان یک جانشین

دمکراتیک که پس از سقوط رژیم اسلامی قدرت را بدست بگیرد، سرباز زده است... غیرممکن استفاده... از حربه تبلیغات، بمنظور جلب توجه بین المللی، این سازمان از قدرت و امکانات لازم برای تغییر رژیم برخوردار نیست، همچنین دیگر گروههای اپوزیسیون در خارج کشور نیز فاقد قدرت باد شده هستند.

مجاهدین مدعی هستند دارای یک ارتش ۴۰ هزار نفره در خاک عراق میباشد، وزارت امور خارجه امریکا معتقد است که تعداد افراد آزادیبخش مجاهدین چند هزار تن بیشتر نیست... مجاهدین اطلاعاتی را در مورد تلاش جمهوری اسلامی به منظور دستیابی به سلاحهای کشتارجمعی در اختیار سازمانهای اطلاعاتی امریکا گذاشتند...

دفتر ریاست جمهوری امریکا مینویسد... بنظر میرسد رژیم ملاها هم چنان قادر است تا در آینده نامطلومی به حیات خود ادامه دهد... دستیار وزیر امور خارجه امریکا رابرت ای پلنر... حکومت مذهبی ایران را یک پدیده دائمی خواند... یک مقام جمهوری اسلامی در بیانیه ای رسمی اعلام نمود که تصمیم بهبود رابطه با ایالات متحده، در بالاترین سطح رهبری جمهوری اسلامی اتخاذ گردیده، اما ابتدا باید موانع روانی میان دو کشور را کنار زد، در بسیاری از موارد، سیاستهای جمهوری اسلامی و امریکا یکسان است...

سخنی با خواهران و برادران

در خاتمه به تمامی اعضا و هواداران مجاهدین خلق ایران، که در اثر توهیم پراکنی منحرفین ریاکار هم چنان به همکاری با باند شورای ملی مقاومت وابسته به بیگانه ادامه میدهند، سفارش میکنیم تا هر چه زودتر صفوف آنها را ترک کرده، و با انتقاد از خود و توبه از اعمال گذشته، به صف مجاهدین خلق ایران بپیوندند، و با تلاش و کوشش همه جانبه به جریان اشتباهات و ضرباتی که در اثر عملکردشان، به خلق، به جنبش و سازمان مجاهدین وارد آمده، به پردازند. ادامه همکاری با ارتجاع مغلوب، هم چنان غیرمستقیم کمک به تداوم حیات تنگین ارتجاع جانیبکارحاکم بر ایران با تفکرات قرون وسطانی میباشد. درضمن نباید فراموش نمود که ممکن است، زمینه ساز تسلط مجدد عوامل امپریالیسم بر ایران شود. باید اضافه کنیم، تا قبل از ۴ شهریور ۷۳، اگر همکاری با غاصبین اسم و آرم سازمان، که با حفظ پوسته و خالی کردن محتوای آن، و با به شبه انداختن اذهان بویژه شما (اعضا و هواداران سازمان)، هم چنان خود را مجاهد جا زده و با سواستفاده از نیرو و توانائی هایتان، به اهداف انحرافی خود جامه عمل میپوشاندند، ولی اکنون با آشکار شدن چهره پلیدشان، دیگر چه بهانه و عذری در همکاری با این باند، غیر از منافع مادی زود گذر، میتوان دید؟

باید با ترک صفوف ارتجاع مغلوب (شورای ملی مقاومت)، و پیوستن به مجاهدین، ضمن مبارزه ای مستقل و قاطع با ارتجاع جانیبکار حاکم، دست به افشای گری علیه شورانیون زده، حقایق را برای آگاهی هر چه بیشتر جهانیان بویژه خلق قهرمان ایران آشکار نمائید، که غیر مستقیم نیز انتقاد و انتقاد از خود بحساب خواهد آمد.

باید بگوئیم، دوران گذشت و عفو است و جریان مافات، نه مجادله و هدر دادن باز هم انرژی، خد العفو و امر بالمعروف و اعراض عن الجاهلین (سوره اعراف آیه ۱۹۹) در پیش بگر گذشت و چشم پوشی را، و امر کن بخوبی، و روی برگردان از نادانان، بقول یکی از نویسندگان آزاده (هیچ انسانی از خطا و اشتباه بر کنار نیست، و هیچ کسی نمیتواند مدعی شود که حامل همه حقیقت است و با اعمال او از خطا عاری میباشد، این ادعا فقط منحصر به جباران و

دیوانه های قدرت است که نظیر آن در تاریخ بشری کم نیست... و از کسانیکه در گذشته، با منحرفین همکاری کرده، پس از آشکار شدن انحرافات و روشن شدن حقایق کنار کشیده و یا در اثر انتقاد کنار گذاشته شده اند و فعالیت چندانی ندارند، میخواهیم که شک و تردید غیر علمی را کنار گذاشته و با احساس مسئولیت در قبال خلق و خالق، به فعالیت و حمایت از مجاهدین برخاسته تا ارزشها و معیارهای انقلابی - توحیدی را به پای داریم و نگذاریم عده ای سواستفاده چی، با خالی بودن عرصه نبرد، به ترک تازی بردازند و بار دیگر مردم را بجای آب به سراب رهنمون شوند.

باید اضافه کنیم، خدا از روشنفکران و عناصر آگاه (علما) پیمان گرفته که نباید در مقابل ظلم ظالم و گروستکی مظلوم ساکت بنشینند، و باید مردم را بخاطر آگاهی هائی که دارند، به مقابله با ظالمین بشوراندند، این یک تعهد عنصر آگاه است نه یک میل یا خواست. لذا، سواستفاده جریان منحرف سال ۱۳۶۴، از اعتماد برادرانه اعضا و هواداران بنفع خواستهای پست فردی، و خیانت بآنها نباید ما را به موضع انفعال دچار نماید و با خدای ناکرده، مسئولیت و رسالت خود را در خدمت بخلق و شوراندن آنان بر علیه ظلم و ظالم به فراموشی بسپاریم.

سر دمدار باند رسوای شورای ملی مقاومت، اتفاقاً بزرگترین موفقیتهای زمانی است که عناصر جدا شده و با اخراجی، تحرکی از خود نشان ندهند بلکه تنها بدنبال زندگی روزمره باشند. بدین خاطر، به انواع و اقسام آزار و اذیتها متوسل شده تا نوشته ای، مدرکی مسمی بر پرده ای از مبارزه، از فریاد بخواهد تشکیلاتشان را ترک نماید، بگردن تا از تحرک احتمالی آینده مصرع جدا شده، جلوگیری نماید، تا اگر فریاد بخود جرأت داد و بافتا انحرافات و فساد ایدئولوژیکی، سیاسی، استراتژیکی... باند شورانیون و سایر دست اش اقدام نمود، با انتشار آنها و تبلیغات، فریاد مربوطه را وادار به سکوت نمایند، و با باسلاخ شوهرشان او را بسوزانند.

لذا اعضا و هواداران مجاهدین خلق، از این بابت نباید بخود بیم و هراسی راه دهند، چون مسأله این شورای... مانند رژیم شاه و شیخ بقدری بی آبرو و رسوا شده اند که دیگر حنای آنها پیش هیچ کسی رنگی ندارد.

باید تأکید کنیم که بنیانگذاران کبیر سازمان محمدحسین نژاد و سعید محسن، قبل از شهادتشان، در پیام مشترکی، خطاب به برادران مجاهد خود، چنین وصیت میکنند تا مرکز از پیروزی راهمان و تحقق اهدافمان ناامید نشده، به آرمانها و اراده خلق قهرمان ایران اعتقاد راسخ داریم... ما به راه خود که بدیهی است از جانب برادرانمان تا پیروزی کامل تقییب میشود، اعتقاد راسخ داریم...

وحدت تشکیلاتی، هر مانعی را از برابری بر خواهد داشت، مرکز مایوس نشوید، هرچه دارید در کنه جنگ نموده ای مسلحانه گذاشته و تا امحا کامل امپریالیسم، صبیونسم و رژیم سلطنتی بجنگید، راه ما راه خدا و نودهیاست...

لذا با توجه به موارد بالا و تأکید بر وصیت بنیانگذاران کبیر سازمان، در رابطه با پیروزی و تحقق اهدافمان و درستی راه، باید بگوئیم باری سنگین بر دوش تمام کسانیکه آرزوی جز آزادی و رهائی خلق از زیربار ستم و استعمار ندارند، میباشد، به ویژه بر دوش اعضا و هواداران مجاهد خلق. درست است که طی دو دهه ضربات سهمگینی از دو جبهان کبیرا متفاوت منحرف درون گروهی را تحمل کرده ایم، درست است که با اعتمادمان لطعات بسیاری وارد آمده، درست است که ارزشهای بسیاری را دو جریان منحرف شکستند و بخره گرفتند، ولی خود نیز شکسته و خرد شدند.



آنها موارد فوق و دیگر موارد میتواند دستاویزی برای عدم تداوم مبارزه بر علیه ظلم و ستم، استبداد و استثمار و ارتجاع، امپریالیسم... شود؟

آنها میبایستی از برپائی جامعه عاری از ظلم و ستم، که در آن همه با هم برادر و برابر و آزادند، چشم پوشید و ساکت بگوشه عزت نشسته، چون درماندگان، تنها به ناله و نفرین و شکایت و افسوس از گذشته، بسنده کرد؟

و یا هم چون دیگر مبارزین انقلابی، از شکستها و باران سست عنصر نیمه راه، بدون اینکه خلی بر اراده استوارمان وارد آید، قد علم کرده هم چنان شجاعانه به ییکارمان بر علیه هرچه سباهی و تباهی است براهمان تا پیروزی نهائی ادامه دهیم؟ و جز خاطره ای تلخ از آن چه گذشته یاد نکرده و تجاربش را آویزه گوش، جهت پیمودن درست ادامه مسیرمان ننماییم؟

الان زمان اینک، کی چندر مقرر بوده و کی نبوده، نمی باشد، الان زمان بازسازی و احیای سازمان و تداوم راه برای رسیدن به جامعه توحیدی است، باید توجه داشت که همه کم و بیش مقصودیم، هرکس باید با وجدان و نفس توامه (آملامت کر) خود خلوت کرده، به بررسی و تحلیل خطاها و اشتباهات خود پرداخته و به انتقاد از خود به پردازد و در این برخورد وجدان و خدا را داور قرار دهد، لذا بجای چند و چونی تقصیرها، تمام تلاشمان را صرف جبران اشتباهات کنیم و با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر و با طرح پیشنهادات سازنده سیستمی نو بر پایه « امرهم شورا بینهم » پایه ریزی کرده و بوجود آوریم.

امدهواریم خواهران و برادران با احساس مسئولیت و دقت نظر، عمیقاً بباندیشند و با عزمی راسخ، مجدداً پای به میدان مبارزه نهاده، تا در براندازی پلیدی ها، و برپائی آزادی ها، سهم و مسئولیت خود را ادا کرده، دینمان را به خلق به پردازیم.

باید توجه داشت، اصولاً راه انسان بدون ابتلا و انحراف طی نشده و نمیشود، راه تکامل و خدا گونگی انسان دقیقاً از میان ابتلائات و فراز و نشیبا میگذرد. چراکه انسان خود، باید خویشتن خویش را ساخته و پرداخت نماید، و در همین مسیر است که جوهر خدا گونگی خود را بارز کرده و میکند. خدا در قرآن مفرماید:

« احسب الناس ان یترکوا ان نقولوا انما وهم لا یفتنون، ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الیه الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین » آیات ۲ و ۳ سوره عنکبوت.

« آیامردم پنداشتند که رها شوند، آنانکه گویند ایمان آوردیم و امتحان نکردند؟ به تحقیق آزمودیم آنانرا که پیش از ایشان بودند، تا بدانند خدا کسانی که راست گفتند، و تا بدانند (بشناسد) دروغگویان را »

بنابراین، وظیفه و مسئولیت هر عنصر مبارز و مجاهد راه آزادی است که به دور از هر اما و اکری... به باز سازی و احیای سازمان به پردازد، در هر کجا که هستبد (داخل یا خارج کشور)، به دور بکدیگر جمع شده به ایجاد هسته های مستقل، مبادرت کنید، کارها را تقسیم نموده مسئولیتها را مشخص نمایند، با شور و مشورت و بررسی های لازم، در چارچوب اصول و ضوابط و معیارهای انقلابی - اسلامی سازمان مجاهدین، متناسب با شرایط، زمان و مکان، تصمیمات مقتضی جمعی اتخاذ و به مرحله عمل در آورید.

در حد توان، در محدوده دستاورد های سازمانی، اعم از ایدئولوژی، استراتژی - سیاسی، تشکیلاتی، اجتماعی، هنری و تحقیقی... مطالبی نوشته، منتشر نمائید.

تلاش در جهت ارتباط با دیگر هسته ها و هماهنگ نمودن کارها و اقدام مشترک باید از وظایف اصلی باشد...

باید گذاشت تا هزاران گل بشکند.

ما (مجاهدین)، بر خلاف طیف مخالفین رژیم متمایل به غرب، تنها انتظارمان به حمایت و کمک خلقمان میباشد، در نتیجه تلاشمان در جهت جلب اعتماد و حمایت بهدیرخ خلق مجاهدپرورمان میباشد، و امدهواریم در این کوشش به یاری خداوند بخشاینده، هرچه سریعتر موفق و کامیاب شویم، چراکه خدمت بخلق را جزو دین خود دانسته و معتقدیم از این راه است که میتوانیم به قرب خدا نائل آئیم.

لذا هم چنان از خلق قهرمانمان میخواهیم تا مجدداً به فرزندان « مجاهد » خود اعتماد کرده، صداقت در گفتار و کردارمان را، در عمل بیازمایند. لذا از خلق ستم دیدمان، توقع داریم تا به یاری و حمایت همه جانبه از مجاهدین و احبب و باز سازی سازمان، بر خاسته، ارزشها و معیارهای انقلابی - توحیدی آنرا پاس داشته و حفاظت و حراست آنها را وظیفه خود بدانند، و مانع پاپمال شدن و فراموشی آنها بوسیله ابادی « شاه »، « شیخ »، « شورا » و امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه، که هر یک از مواضع متفاوت و در مقاطع مختلف علیه مجاهدین متحد شده...، تا با پاپمال کردن و نفی حرکت سازمان یافته مکتبی -

انقلابی و بر اساس ایدئولوژی توحیدی و اسلام اصیل، در عصر اخیر است، که بمنزله وارث مبارزات انقلابی مکتب تشیع، پرده از آرمانها و هویت واقعی ایدئولوژی اسلام بر مبادارد، شد.

« یا ایها الذین امنوا اتقوا حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون و اعصموا بحبل اله و لا تفرقوا و اذکروا نعمت اله علیکم اذ کنتم اعدا فالف بین قلوبکم فاصحتم بنعمه اخوانا. » (سوره ۳ آیه ۱۰۱ و ۱۰۲)

« ای ایمان آورندگان، بترسید خدا را حق ترسیدنش (که تنها از او باید ترسید)، نمیرید جز آنکه باشید مسلمانان، و چنگ زبید بر پسمان خدا همگی تان و دچار تفرقه نشوید، و یاد آورید نعمت خدا را بر شما، در حالیکه بودید دشمنان یکدیگر، پس الفت افکند میان دلهای شما، پس شدید با نعمت او (یاری خدا)، برادران... »

سلام علیکم بما صیرتم و نعم عقبی الدار

سلام بر شما بدانچه صبر کردید، چه خوب است فرجام آنسرای

و السلام علی من اتبع الهدی

درود بر هر که از هدایت و ارشاد پیروی کند

با تکریم و درود به تمامی شهدای راه آزادی

مجاهدین خلق ایران - فرانسه

۳ مهر ماه ۱۳۷۳